



توزیع برابر فرصت‌ها و کاهش نابرابری در ایران (ارائه‌ی یک تحلیل تطبیقی در مناطق ۹ گانه کشور)

آزاد خانزادی

عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه رازی

Azadkhanzadi@gmail.com

الهام قادری سیاه‌بیدی

کارشناس ارشد دانشگاه رازی

Ghaderi.elham1989@yahoo.com

سید محمدباقر نجفی

عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه رازی

Najafi122@gmail.com

چکیده

سال‌ها است علل و دلایل وجود نابرابری و عدم هماهنگی میان بخش‌های مختلف یک جامعه از مباحث مهم مورد مطالعه در اقتصاد است. مطالعات نشان می‌دهد نابرابری می‌تواند ناشی از تلاش‌های متفاوت فردی و یا اثر بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در خانوارها و یا مناطق مختلف باشد. بر این اساس، در این پژوهش با معرفی توزیع نابرابر فرصت‌ها به عنوان یکی از دلایل بروز نابرابری در جامعه، این فرصت‌ها در زیرگروه‌های اقتصادی، دانش و سرمایه انسانی، زیربنایی، اجتماعی و فرهنگی، بهداشتی، درمانی و زیست‌محیطی دسته‌بندی شده و برای مناطق نه‌گانه‌ی کشور مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد اگر چه نابرابری میان مناطق نه‌گانه در بین دو دوره ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲ رو به کاهش نهاده است؛ اما همچنان نابرابری فرصت‌ها باقی مانده است.

واژگان کلیدی: نابرابری، نابرابری فرصت، منطقه، شاخص اقتصادی.

طبقه‌بندی *JEL*: O18, C43, D63

Equal distribution of opportunities and reduce inequality in Iran (A comparative analysis in nine regions)

Azad Khanzadi

Assistant Professor, Razi University of Kermanshah

Azadkhanzadi@gmail.com

Elham Ghaderi Siabidi

M.A of Economics, Razi University of Kermanshah

Gaderi.elham1989@yahoo.com

Seyyed Mohammad Bagher Najafi

Assistant Professor of Economics, Razi University of Kermanshah

Najafi122@gmail.com

Abstract

It has long been, causes and reasons for inequality and lack of coordination between different parts of a Society is important topics studied in the economy. Studies show that inequality can in effect of individual efforts or by taking advantage of opportunities in households and or different regions. Accordingly, in this study, with the Presentation of the unequal distribution of opportunities as one of the causes of inequality in society, the opportunity in five categories: economic, knowledge and human capital, infrastructure, social and cultural, health and environmental classified and for the nine regional of countries have been analyzed. The results show that although inequality among nine regions in the period between 1385 and 1392 is declining, but still remains unequal opportunities.

Key words: inequality, unequal opportunities, regional economic indicators.

Classification JEL: O18, C43, D63

مقدمه

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های ایجاد نظریات گوناگون رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد راهی برای برطرف نمودن نابرابری‌های بسیار شکل گرفته در سطوح بین‌المللی و یا حتی درون کشورها بوده است. در ابتدا اولویت رشد اقتصادی بر توزیع درآمد وجود داشت. پیروان این نظریه معتقد بودند برای رشد نیاز به پس‌انداز است که صرفاً می‌تواند از طریق ثروتمندان اتفاق بیافتد. آنها معتقد هستند با گذشت زمان از طریق رخنه به پایین اقبال ضعیف جامعه از رشد اقتصادی بهره می‌گیرند (لشکری، ۱۳۹۰: ۱۶۱). گذر زمان نشان داد چنین دیدگاه‌هایی نظیر آنچه کوزنتس^۱ ارائه کرد در واقعیت میسر نیست و در واقع آنچه اتفاق افتاده چیزی به جز شکاف طبقاتی میان خانوارها و حتی اختلاف در سطح مناطق مختلف کشورها نیست. بنابراین اندیشه‌های اقتصادی به جنبه‌های دیگر از توسعه‌یافتگی سوق یافت، جنبه‌هایی که در آن شرایط به گونه‌ای مهیا باشد تا توسعه متوازن‌تر متجلی شود. روکوسکین و کاوزلاویچ^۲ (۲۰۱۴) معتقدند هدف توسعه متوازن در اروپا، کاهش نابرابری ساختاری میان کشورها و مناطق و ترویج فرصت‌های برابر برای همه است. می‌توان انتظار داشت ایجاد امکانات و فرصت‌های برابر در مناطق مختلف بتواند توسعه‌یافتگی را به منصفانه ظهور در کل جامعه برساند.

در ایران چندین بار برنامه‌های مختلف توسعه تدوین و به اجرا گذاشته است، اما نتایج حاکی از آن است که کماکان نابرابری - چه در سطح خانوارها و چه در سطح استان‌های مختلف - وجود دارد و دستاوردهای مورد نظر به دست نیامده است. هنوز فقر در تعدادی از مناطق ایران بیشتر از سایر مناطق است و افراد به برخی از امکانات لازم برای توسعه و ارتقاء درآمد دسترسی کافی ندارند. بر همین اساس در این پژوهش ابتدا برخی از مبانی نظری مرتبط با نابرابری بیان شده و پیرو آن در بخش سوم این مسأله در ایران مورد بحث قرار می‌گیرد. پس از آن در بخش چهارم اشاره مختصری به مطالعات انجام شده در این زمینه شده و در بخش پنجم برخی از مصداق‌های نابرابری میان مناطق مختلف ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت در بخش ششم نتایج بدست آمده به بحث گذاشته خواهد شد.

مفهوم نابرابری و مبانی نظری آن

همان‌گونه که بیان شد از بین رفتن نابرابری و برقراری عدالت از جمله مهم‌ترین اهداف نظریات رشد و توسعه اقتصادی است؛ این در حالی است که این مهم و چگونگی تحقق آن موضوع بحث و تحلیل بسیاری از مطالعات قرار گرفته است. در این راستا معنا و مفهوم برابری و عدالت در نحوه نگرش پژوهشگر و ارائه راهکار او بسیار تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین پاسخ به این پرسش ضروری خواهد بود که منظور از نابرابری و یا حتی برابری چیست، آیا می‌توان برابری را همان عدالت در نظر گرفت یا نه؟ کوول^۳ بیان می‌کند که وقتی به برابری یا نابرابری اشاره می‌شود معانی متفاوتی متصور خواهد شد که به شرح زیر هستند (کوول، ۲۰۰۰: ۲):

برابری محض: تقسیم درآمدها یا منابع کسب درآمد به نحو تقریباً یکسان برای همگان؛

برابری افقی: رفتار کاملاً برابر با افراد دارای شرایط و استحقاق برابر که عمدتاً به برابری در مقابل قانون (مزایا و تکالیف) بازمی‌گردد؛

برابری حداقلی: تأمین حداقل استانداردهای یکسان زندگی برای همگان به ویژه گروه‌های زیر خط استاندارد؛

برابری فرصت‌ها: ایجاد امکان دسترسی برابر به برخی فرصت‌های عمومی مانند آموزش، سلامت، مشارکت سیاسی و ... ؛

1- Kuznets

2- Rakauskienė and Kozlovskij

3- Cowell

برابری احساسی: از بردن احساس طرد اجتماعی به واسطه تفاوت و نابرابری در برخورداری‌ها؛
برابری سهمی: افزایش سهم گروه‌های نابخوردار (مانند دهک‌های پایین) از درآمد ملی.

مرور مباحث تاریخی نشان می‌دهد چنانچه برابری مطلق مد نظر باشد، این امر با شکست مواجه خواهد شد. اجرای سیاست‌های سوسیالیستی نشان داد دور از عدالت است افراد با سطح تلاش‌ها و استعداد‌های متفاوت به سطح برخورداری یکسانی دسترسی پیدا کنند چرا که برابری مطلق در بلندمدت انگیزه افراد را از میان خواهد برد. از این منظر مطهری عقیده دارد: «برابری مطلق در اقتصاد اولاً شدنی نیست؛ ثانیاً ظلم و تجاوز است؛ ثالثاً اجتماع خراب‌کن است، چرا که در نظام طبیعی خدادادی میان انسان‌ها تفاوت و تمایز وجود دارد. این اختلاف سطح‌ها و تفاوت‌ها است که حرکت‌ها را پدید آورده و مایه‌ی جذب انسان‌ها به یکدیگر است». بنابراین با پذیرش این مطلب که همواره سطحی از نابرابری وجود خواهد داشت، پرداختن به خود نابرابری و چگونگی آن ضروری خواهد شد. از دیدگاه راولز^۱ (۱۳۸۵) نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به دو شرط قابل قبول است، نخست آنکه نابرابری‌ها باید مختص به مناصب و مقام‌هایی باشد که تحت تأثیر برابری منصفانه فرصت‌ها باب آنها به روی همگان گشوده است و دوم اینکه، نابرابری‌ها باید بیشترین منفعت را برای محروم‌ترین اعضای جامعه داشته باشد (سن^۲، ۱۳۸۶: ۱). ماررو و رودریگز^۳ (۲۰۱۳) با بیان ساده‌تر این موضوع و با اشاره به مطالعات دیگر اقتصاددانان نابرابری را در قالب دو دسته قرار داده و می‌گویند: دو مفهوم در ادبیات نابرابری وجود دارد. اولین مفهوم مربوط به شایسته‌سالاری می‌شود، (Lucas, 1995; Arow et al, 2000) که در آن افراد مسئول درآمد، سلامت، وضعیت شغلی و مطلوبیت خود هستند؛ بنابراین نابرابری به وجود آمده نتیجه انتخابات فردی اشخاص است. به بیان آنها این نابرابری ناشی از تلاش و کوشش است (Romer, 1993; Van de Gaer, 1993). دومین مفهوم که طی دو دهه گذشته گسترش پیدا کرده است مربوط به دیدگاهی می‌شود که در آن سیاست‌های فرصت برابر باید سطحی از زمینه فعالیت را ایجاد کند و پس از آن افراد مسئول خودشان هستند. در این زمینه فعالیت، متغیرهای مؤثری وجود دارد که فراتر از انتخاب و موقعیت افراد هستند، مانند: موقعیت اجتماعی، شرایط اقتصادی، زمینه‌های فرهنگی و رقابت. در واقع نابرابری فرصت‌ها به آن نابرابری شرایطی (عوامل) اشاره می‌کند که فراتر از محدوده‌ی مسئولیت فردی مانند نژاد، پس‌زمینه اجتماعی و اقتصادی است.^۴

ندری با اشاره مشابهی به این دسته از نابرابری‌ها، آنها را دستاورد بشر دانسته و به سه دسته کلی تقسیم می‌کند: «دسته نخست بهره‌مندی از امکانات و فرصت‌های اولیه مانند برخورداری از تحصیلات آموزشی بوده و دسته دوم ویژگی‌های کاری مانند مفاد قراردادهای است؛ دسته سوم، عوامل ساختاری مانند ربا، تورم و بی‌عدالتی در نظام دستمزدها و بی‌برنامگی در هزینه‌کرد درآمدهای دولتی است که نابرابری را دامن می‌زند». کوستا (۲۰۱۴) در تعریف خود از برابری فرصت می‌گوید: «مفهوم برابری فرصت به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن توزیع درآمد تحت تأثیر ریشه‌های اجتماعی مثل جغرافیای زندگی یا تحصیلات و شغل والدین نباشد» (Cuesta, 2013: 110). در این راستا رومر^۵ (۲۰۱۳) با اشاره مشابهی اعتقاد دارد که آنچه جالب‌تر است معنا و مفهوم توزیع فرصت‌ها می‌باشد. به نظر او این اشتباه است که در همه جا از مفهوم تولید ناخالص سرانه برای اندازه‌گیری و معرفی مفهوم عدالت استفاده می‌شود و وقتی توسعه‌ی اقتصادی تحقق می‌یابد که درجه‌ای از اجرای کارآمد و توزیع مناسب منابع اقتصادی اتفاق افتاده باشد. اینکه توزیع مناسب منابع اقتصادی دارای اهمیت به سزایی در فرآیند توسعه‌یافتگی یک جامعه دارد جای بحث نیست و در این راستا آنچه مورد توجه است توزیع برابر فرصت‌ها است.

¹-Rawls

²-Sen

³-Marrero and Rodríguez

⁴

⁵- Romer

به اعتقاد برونری، فریا و پرگین^۱ (۲۰۱۳) فرصت‌ها می‌تواند ناشی از موقعیت خانوادگی، جنسیت، نژاد، محل تولد و ... نسبت داده شود. گروه بعدی از این فرصت‌ها به واسطه قرار گرفتن در یک محیط اجتماعی در اختیار افراد قرار می‌گیرد؛ محیطی که در آن فرصت‌ها می‌تواند جنبه اقتصادی، اجتماعی و ... به خود بگیرد. بنابراین می‌توان انتظار داشت با تأکید بر ایجاد فرصت‌های برابر در مناطق مختلف زمینه دسترسی افراد به جایگاه بهتر اقتصادی و اجتماعی در اثر تلاش بیشتر فراهم شود تا بدین طریق امکان خروج افراد از چرخه تسلسل فقر برای نسل‌های متوالی مهیا شود. شکل یک استنباطی از چارچوب نظری استفاده شده در ساختار پژوهش است.



شکل ۱: چارچوب نظری پژوهش
مأخذ: یافته‌های پژوهش

پژوهش‌های پیشین در ایران و سایر کشورها

مسئله نابرابری چنان حائز اهمیت است که بسیاری از مطالعات، چه در سطح کشورهای پیشرفته و چه در سطح کشورهای در حال توسعه به این حوزه اختصاص یافته است. چیوو، سیوتاکا و جوجسکی^۲ (۲۰۱۵)، روکاسکین و کاوزلاویچ (۲۰۱۴)، زبیری و کریمی موعاری (۱۳۹۳)، کریمی موعاری و همکاران (۱۳۹۰) و ... همگی نابرابری‌های ایجاد شده را در قالب مفهوم انسجام مورد بررسی قرار دادند. به اعتقاد آنان چنانچه سیاست‌های اجرا شده در کشورها انسجام لازم را داشته باشد، می‌توان انتظار داشت متغیرهای سطح کلان و یا حتی سطح خرد خانوارها این انسجام را انعکاس دهد. برخی دیگر نیز با بررسی جزئی‌تر، تأثیر برخی متغیرها را به عنوان فرصت‌های تأثیرگذار بر نابرابری مورد واکاوی قرار داده‌اند. کوستا (۲۰۱۳)، برونری، فریا و پرگین (۲۰۱۳)، افقه و همکاران (۱۳۹۴)، احمدی و همکاران (۱۳۹۳)، راغفر و همکاران (۱۳۹۲)، مرتضوی کاخکی، حقیقی و مهدوی عادل (۱۳۹۲) و لشکری (۱۳۹۰) متغیرهایی همچون تحصیلات، نیروی کار ماهر، امکانات بهداشتی و ... که می‌توانند از طرق مختلف موجب نابرابری بخصوص در حوزه درآمدی شوند را مورد بررسی قرار داده‌اند.

بر اساس بسیاری از مطالعات انجام شده چنانچه هدف توسعه باشد، بایستی نابرابری موجود در سطح جامعه کم‌رنگ‌تر شود، مسأله‌ای که رومر (۲۰۱۳) از آن به عنوان توسعه اقتصادی به مثابه برابری فرصت‌ها یاد می‌کند. بنابراین ضرورت دارد تا

¹ Brunori, Ferreira and Peragine

² Chivu, Ciutacu and Georgescu

برای تحقق هدف ابتدا توصیفی از نابرابری موجود در سطح جامعه وجود داشته باشد تا بر اساس آن چشم‌اندازی برای آینده ترسیم شده و برنامه‌ریزی شود؛ چرا که دولت بارها مکلف شده است توسعه متوازن در کلیه بخش‌های جامعه ایجاد کند.

نابرابری فرصت‌ها در ایران

مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها چالش اساسی در مسیر توسعه می‌باشد، به ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آنها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها تهدیدی جدی برای حصول توسعه متعادل و متوازن مناطق است و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می‌نماید. (Shankar and Shah, 2003: 1421). در ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، با وجود تنوع زیست‌محیطی و دارا بودن استعداد و پتانسیل‌های طبیعی در پهنه سرزمین، نابرابری‌های زیادی بین مناطق مختلف وجود دارد. اگر چه در نیم قرن گذشته، از طریق برنامه‌های مختلف توسعه سعی در رفع این نابرابری‌ها شده است، اما به دلایل مختلف همچون اجرای ناقص الگوهای نامناسب توسعه همچنان نابرابری بین استان‌های ایران مشهود و ملموس است (ویسی و حسین‌زاده دلیر و عزت‌پناه، ۱۳۹۳: ۸۰). طی این سال‌ها روش‌های گوناگونی برای دستیابی به توسعه یافتگی و رفع نابرابری مورد آزمون قرار گرفته است. اما از بین نرفتن این نابرابری و توسعه دامنه‌ی آن به گستره‌ی شهرها و استان‌ها دال بر آن است که راه‌های انتخابی اشتباه بوده و یا در بهترین حالت درست به اجرا گذاشته نشده است؛ چرا که وجود برخی از مناطق موفق‌تر، از مجموعه‌ی عواملی خبر می‌دهد که منجر به شرایط بهتر اقتصادی برای این مناطق شده است.

در اسناد توسعه‌ای ایران می‌توان به کرات مشاهده کرد دولت مؤظف شده است تا سیاست‌های اجرایی را به سمتی سوق دهد که منابع و امکانات به گونه‌ای عادلانه توزیع شود تا ماحصل آن کاهش عدم تعادل منطقه‌ای باشد. ماده‌ی ۸۰ (ایجاد اشتغال پایدار، توسعه‌ی کارآفرینی، کاهش عدم تعادل منطقه‌ای و توسعه‌ی مشاغل نو)، ماده‌ی ۸۴ (مؤظف شدن دولت به توزیع منابع صندوق توسعه ملی بین بخش‌ها و استان‌های کشور به منظور حصول توسعه متوازن) و ماده‌ی ۱۸۰ (توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات با رویکرد استفاده‌ی متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته و تحقق پیشرفت و عدالت) و ماده‌ی ۲۲۴ (توزیع عادلانه مازاد درآمد استانی جهت تعادل بخشی و ارتقای شاخص‌های توسعه‌یافتگی بین استان‌ها) که مربوط به برنامه چهارم و پنجم توسعه است می‌تواند مبین این تأکید در سطح اسناد توسعه‌ای موجود باشد. ایزانلو و خداپرست مشهدی (۱۳۹۳) برخی از کلیدی‌ترین شاخص‌های اقتصادی مانند مابه‌تفاوت درآمد و هزینه خانوارها، منابع و مصارف بانکی و بودجه استانی و ... مورد بررسی قرار داده و نشان دادند برخلاف تأکید انجام شده بر یکپارچگی در سیاست‌های اجرایی، همواره چندگانگی میان بخش‌های مختلف و سیاست‌های مختلف وجود داشته است. می‌توان انتظار داشت چنانچه چنین شرایطی در سطح مناطق مختلف کشور حکمفرما باشد، نابرابری موجود به شکل عدم انسجام اجتماعی و اقتصادی و در واقع عدم توازن منطقه‌ای، همچنان پایدار باقی بماند.

ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) توزیع منابع و فرصت‌ها و تأثیر آن بر عدم توازن منطقه‌ای را مورد مطالعه قرار دادند. آنها مهاجرت، تغییر توزیع جمعیت و تمرکز واحدهای صنعتی را از تبعات عدم توزیع مناسب فرصت‌ها برشمردند. با این اوصاف می‌توان این‌گونه عنوان کرد؛ عدم توزیع مناسب فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه ایران و تداوم چنین رویدادی منجر شده است تا وجهه‌ی اقتصادی و اجتماعی ایران از انسجام لازم برخوردار نباشد. در این راستا با توجه به تناسب مباحث مطرح شده در این پژوهش برای بررسی نابرابری موجود در سطح مناطق مختلف ایران از دسته‌بندی صورت گرفته در ماده ۷۷ قانون برنامه چهارم توسعه بهره گرفته شده است. به استناد ماده ۷۷ قانون برنامه چهارم توسعه کشور، به منظور هماهنگی در

امور عمرانی و توسعه‌ای بین استانی دولت مکلف به منطقه‌بندی کشور بر اساس دیدگاه آمایش سرزمین گردیده است. طی این مصوبه استانهای کشور به ۹ کلان منطقه همگن به شرح جدول (۱) تقسیم شده است.

جدول ۱: کلان مناطق ۹ گانه کشور

ردیف	کلان منطقه
۱	ساحل شمال: گیلان، مازندران و گلستان
۲	آذربایجان: آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل
۳	زاگرس: همدان، کرمانشاه، کردستان، لرستان و ایلام
۴	خوزستان: خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد
۵	فارس: فارس و بوشهر
۶	البرز جنوبی: تهران، مرکزی، زنجان، سمنان، قم، قزوین و البرز
۷	مرکزی: اصفهان، یزد و چهارمحال و بختیاری
۸	جنوب شرقی: کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان
۹	خراسان: خراسان جنوبی، رضوی و شمالی

مأخذ: قانون برنامه چهارم توسعه کشور

در ادامه برای تحقق هدف بررسی نابرابری موجود میان مناطق مختلف کشور از دسته‌بندی سازمان برنامه و بودجه (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور سابق) استفاده خواهد شد. بر این اساس مجموعه شاخص‌هایی که برای انعکاس نابرابری‌های موجود در زمینه‌های نام برده به کار گرفته شده در سطح مناطق نه‌گانه بررسی خواهد شد؛ چرا که این گروه‌بندی بر پایه همگنی و تسلط شاخص‌های سیاسی انجام شده و محقق را در راستای تحقق هدف یاری خواهد نمود.

یافته‌های پژوهش

عدالت اجتماعی و برابری از مهم‌ترین جنبه‌های پایداری است و این پایداری از معیارهای مهم زندگی مانند: بهداشت عمومی و سلامت، دسترسی به آموزش، شغل رضایت‌بخش، فرصت‌های برای پیشرفت شخصی و اجتماعی، فرهنگ، زندگی اجتماعی و تفریح، تسهیلات محیطی و برابری‌های زیباشناختی تشکیل می‌شود بنابراین برای برقراری عدالت نیاز است معیارهای مربوطه برای همگان در دسترس باشد.

همان‌طور که اشاره شد، بارها برنامه‌ریزی برای برداشتن موانع توسعه انجام شده و ماحصل آن پیشرفت در برخی از زمینه‌ها بوده است. به طور مثال در این خصوص ارضروم چیلر (۱۳۸۴) معتقد است، اگر چه پیشرفت‌ها در زمینه‌های آموزشی و بهداشتی در سطح کل کشور چشمگیر بوده است، اما توزیع این پیشرفت‌ها در مناطق مختلف نابرابر است. به عبارتی توسعه انسانی و فقر انسانی در استان‌های کشور به گونه‌ای متفاوت توزیع شده‌اند. استان‌هایی که از توسعه انسانی بالاتری برخوردار هستند از فقر انسانی پایین‌تری نیز برخوردارند و برعکس، استان‌هایی که از توسعه انسانی پایین‌تری برخوردارند از فقر انسانی بالاتری نیز برخوردار هستند. از نظر او ریشه این پراکندگی‌ها را باید در عواملی چون: تفاوت استان‌ها در نرخ بی‌سوادی بزرگسالان، جمعیت فاقد دسترسی به آب سالم و توالی بهداشتی و توزیع غیرعادلانه درآمد و ... جستجو کرد.

واضح است که نابرابری موجود متأثر از عوامل گوناگونی است؛ بنابراین می‌توان مجموعه‌ای از شاخص‌ها را معرفی کرد تا توصیفی از وضعیت موجود به دست آید. لذا در انتخاب مجموعه نهایی شاخص‌ها دو نکته حائز اهمیت است نخست اینکه شاخص منبع باید در جامعه وجود داشته باشد و دوم اینکه هر کدام از این شاخص‌ها مربوط به هر جامعه خاص است. به طور مثال آموزش و پرورش و خدمات مسکن در همه جای جهان به عنوان فرصت شناخته می‌شوند و در عین حال برای هر جامعه به خصوص است (Cuesta, 2013: 8&9).

کریمی و براتی (۱۳۹۶) اعتقاد دارند که مسأله نابرابری و فرصت، وجهه‌ای چند بعدی دارد و همین باعث می‌شود تا پژوهشگر با مجموعه‌ای از معیارها و شاخص‌ها روبه‌رو باشد که هر کدام جنبه‌ای از واقعیت نابرابری را نشان می‌دهد. به همین علت آنها با گردآوری تعدادی از مطالعات که هر کدام بخش‌هایی از نابرابری را پوشش داده‌اند اقدام به معرفی این شاخص‌ها در قالب پنج گروه کرده‌اند. گروه‌های نام برده شامل: اقتصادی، دانش و سرمایه انسانی، زیربنایی، اجتماعی و فرهنگی، بهداشتی، درمانی و زیست‌محیطی است. پژوهش حاضر با استفاده از تعدادی از شاخص‌های معرفی شده توسط کریمی و براتی (۱۳۹۶) و نیز تعداد دیگری از مهم‌ترین شاخص‌های توصیف کننده، به مقایسه نابرابری در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲ در کلان مناطق ایران پرداخته است. البته باید در نظر داشت که برای توصیف نابرابری موجود میان مناطق می‌توان به بسیاری از متغیرها اشاره کرد اما کمبود اطلاعات منتشر شده مورد نیاز در این بخش‌ها همواره از محدودیت‌های این پژوهش و امثال آن است، بنابراین مقایسه نابرابری بر اساس اطلاعات موجود انجام شده است.

شاخص‌های اقتصادی

نخستین گروه از این شاخص‌ها مربوط به حوزه اقتصادی است؛ می‌توان گفت بدون شک بهبود اوضاع در این حوزه تأثیر بی‌ظییری در سایر شاخص‌ها خواهد گذاشت. اولین شاخص مرتبط با این حوزه، ضریب جینی است. اعداد گزارش شده نشان می‌دهد منطقه خراسان دارای بیشترین نابرابری توزیع درآمد در سال ۱۳۸۵ بوده، اما طی سال‌های بعدی با بیشترین کاهش مواجه شده و این در حالی است که برای سایر مناطق نیز به صورت مشابه می‌توان دید که توزیع درآمد برابرتی اتفاق افتاده است.

کاهش موجود را می‌توان ناشی از عوامل گوناگونی دانست، اما وضعیت وقتی دقیق‌تر مورد بررسی قرار می‌گیرد که ضریب جینی را همراه با درآمد سرانه مقایسه کرد. در سال ۱۳۸۵ منطقه آذربایجان پایین‌ترین درآمد سرانه را به خود اختصاص داده است و پس از آن منطقه خراسان دارای پایین‌ترین درآمد سرانه در میان دیگر مناطق است. اعداد گویای آن است که این دو منطقه در سال ۱۳۹۲ نیز دارای درآمد سرانه پایین‌تری نسبت به سایر مناطق هستند و از افزایش چشمگیری برخوردار نبوده‌اند؛ در حالی که برخی از مناطق دیگر دارای درآمد سرانه‌ی چند برابری هستند. نکته ظریف موجود در نتایج محاسبات نشان می‌دهد اگر چه توزیع درآمد در منطقه آذربایجان نسبتاً برابرتی از برخی مناطق دیگر بوده اما کل جامعه مربوط به این منطقه درگیر فقر درآمدی همه‌گیر بوده است.

از دیگر عوامل مهم مؤثر چهره اقتصادی هر منطقه تعداد کارگاه‌های تولیدی فعال بالاتر از ۵۰ نفر کارکن است. هر چه تعداد این کارگاه‌ها بیشتر باشد به نوعی محیط تولید پایدارتر و یا حتی فرصت‌های شغلی باثبات‌تری در دسترس است. مناطق آذربایجان، خراسان و زاگرس در سال ۱۳۸۵ با داشتن سهمی کمتر از ۰/۲، کمترین اعداد را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما ارقام سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد زاگرس نه تنها پیشرفت‌نی نداشته بلکه سهم این تعداد از کارگاه‌ها کاهش نیز داشته است. اگر بتوان از افزایش نرخ مالیات طی سال‌های مورد بررسی چشم‌پوشی کرد می‌توان گفت افزایش نسبت مالیات‌های اخذ شده به کل تولید ناشی از فرصت‌های بهتر، رونق بیشتر و افزایش نرخ اشتغال خواهد بود.

همچنین هر چقدر فرصت‌های بیشتری برای یک منطقه مهیا گردد قطعاً سرمایه اجتماعی افزایش یافته و در نتیجه افزایش این سرمایه اجتماعی کاهش فرار مالیاتی رخ خواهد داد. اما واقعیت موجود نشان می‌دهد در برخی مناطق نه تنها نسبت مالیات به کل تولید افزایش نداشته بلکه کاهش نیز داشته است، از سویی برای دیگر مناطق که افزایش داشته‌اند تغییرات اندکی رخ داده است. البته باید در نظر داشت منطقه البرز جنوبی در وضعیت بهتری نسبت به سایر مناطق قرار گرفته و مناطق زاگرس و فارس دچار کاهش در این نسبت شده‌اند.



مقایسه ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی در کلان مناطق نشان می‌دهد نسبت متوازی میان مناطق وجود ندارد، خوزستان، فارس، مرکزی و البرزی جنوبی به ترتیب بیشترین سهم تولید در بخش صنعت در سال ۱۳۸۵ را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۱۳۹۲ نیز همین چهار منطقه در صدر قرار دارند و البته البرز جنوبی با کمی کاهش مواجه بوده است. در مقابل سایر مناطق به جز منطقه زاگرس با روند مثبتی رو به صنعتی شدن نهاده‌اند. بدون شک صادرات بیشتر در هر منطقه سبب رونق تولید در آن خواهد شد، لذا نسبت صادرات به تولید هر منطقه می‌تواند بیان‌گر رونق بیشتر در آن باشد. نتایج نشان می‌دهد برخی از مناطق کشور مثل جنوب شرقی، خراسان و ... به علت داشتن مرز خارجی و موقعیت خاص جغرافیایی می‌توانند کانال عبور تولید سایر مناطق باشند، با در نظر گرفتن چنین مطلبی می‌توان گفت عملکرد کلیه مناطق مناسب نبوده است.



جدول ۲: مقایسه مجموعه شاخص‌های اقتصادی در کلان مناطق نه‌گانه ایران

ردیف	مناطق شاخص								
	خراسان	جنوب شرقی	مرکزی	البرز جنوبی	فارس	خوزستان	زاگرس	آذربایجان	ساحل شمال
۱	۰,۵۲۹	۰,۵۱۳	۰,۴۸۰	۰,۴۸۵	۰,۴۴۳	۰,۴۹۵	۰,۴۷۹	۰,۴۵۰	۰,۴۹۶
	۰,۲۹۰	۰,۲۸۸	۰,۳۱۰	۰,۳۰۲	۰,۲۹۹	۰,۲۶۸	۰,۲۹۰	۰,۲۹۸	۰,۳۱۱
۲	۱۹۵۷۰	۲۱۷۶۶	۲۶۳۶۴	۳۱۹۳۷	۳۸۵۷۹	۱۱۴۴۶۹	۲۳۵۸۷	۱۹۱۶۵	۲۱۴۳۶
	۷۶۴۰۹	۱۰۲۳۵۸	۱۳۴۰۰۵	۱۲۸۵۵۲	۲۴۲۱۲۵	۲۳۳۷۴۹	۹۱۹۴۴	۸۴۹۲۳	۹۲۶۴۸
۳	۰,۱۷۳	۰,۲۳۰	۰,۲۴۳	۰,۲۹۸	۰,۲۶۰	۰,۳۲۰	۰,۱۸۸	۰,۱۷۰	۰,۲۱۳
	۰,۲۴۳	۰,۲۳۳	۰,۲۸۰	۰,۳۳۰	۰,۲۶۵	۰,۳۱۰	۰,۱۷۸	۰,۲۱۷	۰,۲۶۳
۴	۱,۱۳۷	۱,۲۳۶	۱,۰۲۹	۰,۹۰۶	۱,۶۷۲	۱,۹۲۰	۱,۴۹۷	۰,۸۸۷	۰,۷۶۵
	۱,۵۸۶	۰,۹۱۹	۰,۷۴۲	۰,۶۴۰	۱,۲۹۹	۱,۰۹۱	۰,۸۴۴	۰,۴۴۳	۰,۵۹۸
۵	۰,۰۱۹	۰,۰۲۲	۰,۰۲۵	۰,۰۴۱	۰,۰۳۰	۰,۰۰۶	۰,۰۱۷	۰,۰۱۷	۰,۰۱۲
	۰,۰۲۱	۰,۰۲۸	۰,۰۲۹	۰,۰۴۳	۰,۰۲۱	۰,۰۱۱	۰,۰۱۳	۰,۰۱۹	۰,۰۱۶
۶	۰,۶۱۸	۰,۵۵۴	۰,۵۰۶	۰,۵۳۶	۰,۴۱۴	۰,۱۱۸	۰,۵۳۴	۰,۵۸۱	۰,۶۲۵
	۰,۲۱۳	۰,۲۷۲	۰,۳۵۴	۰,۳۴۳	۰,۴۷۵	۰,۸۵۵	۰,۳۰۱	۰,۲۲۶	۰,۱۷۸
	۰,۱۷۱	۰,۱۷۵	۰,۱۴۲	۰,۱۲۳	۰,۱۱۳	۰,۰۲۸	۰,۱۶۶	۰,۱۹۵	۰,۱۹۸
	۰,۴۹۷	۰,۴۶۱	۰,۴۴۹	۰,۵۲۰	۰,۲۹۸	۰,۱۸۳	۰,۴۹۰	۰,۴۹۷	۰,۵۲۹
	۰,۲۵۶	۰,۳۰۴	۰,۳۷۰	۰,۳۳۷	۰,۵۵۴	۰,۷۴۲	۰,۲۸۲	۰,۲۵۵	۰,۲۰۷
	۰,۲۴۱	۰,۲۲۸	۰,۱۷۴	۰,۱۳۶	۰,۱۴۳	۰,۰۷۱	۰,۲۲۴	۰,۲۴۶	۰,۲۵۸
۷	۰,۰۸۷	۰,۲۹۲	۰,۰۳۲	۰,۰۳۱	۰,۰۶۱	۰,۰۴۸	۰,۰۵۲	۰,۰۳۲	۰,۰۲۵
	۰,۰۷۰	۰,۳۲۰	۰,۰۶۱	۰,۰۵۵	۰,۰۲۵	۰,۰۹۶	۰,۰۷۳	۰,۰۵۲	۰,۰۳۶

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش

شاخص‌های سرمایه انسانی

یکی دیگر از مهم‌ترین عواملی که در تغییر وجهه اجتماعی مناطق تأثیر دارد، سرمایه انسانی موجود در این مناطق است که از مهم‌ترین اجزای آن می‌توان به تحصیلات اشاره کرد. تحصیلات یکی از عوامل مؤثر بر توزیع درآمدها است. به همین دلیل هرگاه دولت درصد تغییر توزیع درآمدها در درازمدت باشد، باید به نقش آموزش توجه کند و در به کارگیری صحیح منابع، دقت‌های لازم را به عمل آورد (راجرز و راجلین^۱، ۱۳۷۰: ۲۴). اما مطالعات اخیر نشان داده است که نظام‌های آموزشی اکثر کشورهای در حال توسعه به جای اینکه نابرابری درآمدی را کاهش دهد، آن را افزایش داده است. اگر به دلایل مالی و یا به دلایل دیگر، فقرا از دست یافتن به امکانات آموزشی متوسطه و دانشگاهی محروم شوند، در این صورت نظام آموزشی در واقع می‌تواند نابرابری را تداوم بخشد و حتی افزایش دهد (تودارو^۲، ۱۳۶۷: ۵۰۶). بر همین اساس ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه می‌تواند با سرمایه‌گذاری در این حوزه موجبات کاهش نابرابری را در سطح مناطق مختلف فراهم آورد. بررسی ارقام جدول حاکی از آن است که درصد باسوادی در سال ۱۳۸۵ دارای نابرابری چشم‌گیری در سطح مناطق مختلف بوده، به نحوی که مناطق جنوب شرقی، آذربایجان و زاگرس از کمترین درصد باسوادی برخوردار بوده‌اند و همچنین اعداد مربوط به سال ۱۳۹۲ نیز نشان می‌دهد درصد باسوادی در آذربایجان دچار تغییرات چشم‌گیر نبوده و مناطق زاگرس و جنوب شرقی و خراسان با داشتن اعداد برابر فاصله قابل توجهی از سایر مناطق دارند. مقایسه ارقام جدول شماره ۳ با ارقام مربوط به درآمد سرانه موجود در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که آذربایجان و خراسان که دارای کمتری درصد باسوادی بوده‌اند، درآمد سرانه کمتری نیز داشته‌اند.

موارد بعدی نسبت اساتید هیأت علمی به تعداد کل دانشجویان و سهم ثبت نام آموزش عالی از کل جمعیت باسواد است. اعداد نشان می‌دهد اگر چه در توزیع این دو شاخص تقریباً برابری وجود دارد؛ اما در کل کشور طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۲، نوعی مدرک گرایی محسوس وجود داشته و در هر دو مورد تقریباً تعداد دانشجویان با افزایش دو برابری مواجه بوده است. دیگر شاخص اشاره شده در این بخش به توصیف نسبت شاغلین ماهر بخش صنعت پرداخته است؛ نسبت‌ها نشان می‌دهد که نابرابری بارزی در این بخش وجود دارد به نوعی که خوزستان، البرز جنوبی و مرکزی دارای بیشترین سهم شاغلین در این بخش در سال ۱۳۸۵ هستند و همچنان در سال ۱۳۹۲ نیز همین سه منطقه دارای بالاترین سهم شاغلین ماهر بخش صنعت هستند. در حالی که مناطق زاگرس، فارس و خراسان دارای کمترین سهم شاغلین در این حوزه می‌باشند.

¹-Rogers and Ruchlin

²-Todaro

جدول ۳: مقایسه مجموعه شاخص‌های سرمایه انسانی در کلان مناطق نه‌گانه ایران

ردیف	مناطق								
	خراسان	جنوب شرقی	مرکزی	البرز جنوبی	فارس	خوزستان	زاگرس	آذربایجان	ساحل شمال
۱	نسبت استاد به دانشجو (۱۳۸۵)								
	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۴
۲	نسبت استاد به دانشجو (۱۳۹۲)								
	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۲
۳	باسوادی (۱۳۸۵)								
	۸۲	۷۸	۸۶	۸۶	۸۷	۸۳	۸۱	۸۰	۸۳
۴	باسوادی (۱۳۹۲)								
	۸۲	۸۲	۸۶	۸۷	۸۷	۸۵	۸۲	۸۰	۸۵
۵	نسبت شاغلین ماهر به کل شاغلین (۱۳۸۵)								
	۲۹	۳۳	۴۴	۳۴	۲۷	۳۰	۲۳	۲۸	۲۵
۶	نسبت شاغلین ماهر به کل شاغلین (۱۳۹۲)								
	۳۰	۲۹	۴۵	۳۷	۲۹	۳۴	۲۸	۳۱	۳۰
۷	سهم ثبت نام آموزش عالی از کل جمعیت باسواد (۱۳۸۵)								
	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱
۸	سهم ثبت نام آموزش عالی از کل جمعیت باسواد (۱۳۹۲)								
	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش

شاخص‌های زیربنایی

می‌توان برای ارائه شمای کلی از وضعیت یک منطقه به متغیرهای بسیاری اشاره کرد؛ اما همان‌طور که از قبل گفته شد کمبود اطلاعات ارائه شده همواره یکی از محدودیت‌های پژوهش‌گران بوده است. سهولت دسترسی (هوایی، زمینی و آبی) به هر منطقه جغرافیایی موجب پیشرفت سریع در آن منطقه خواهد شد، از آنجا که همه مناطق کشور به راه‌های آبی دسترسی ندارند و تنها برخی مناطق از امکانات راه‌آهن برخوردار هستند، در این بخش تنها به مقدار دسترسی هر کدام از بخش‌ها به بزرگراه و آزادراه اشاره خواهد شد.

به وضوح می‌توان در جدول شماره (۴) مشاهده کرد که در هر دو سال مورد مطالعه، مناطق زاگرس و آذربایجان کمترین برخورداری و مناطق ساحل شمال و خراسان کمتر برخوردار بوده‌اند. در حالی که مناطق مرکزی، فارس و جنوب شرقی بیشترین مقدار دسترسی را به بزرگراه و آزادراه دارند. در حالی که تقریباً همه استان‌های مربوط به این مناطق به راه‌آهن نیز دسترسی دارند.

برای ایجاد امکانات و زیرساخت‌ها، دولت به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه در کشور ایران هر ساله سرمایه‌گذاری می‌کند. بررسی نسبت اعتبارات سرمایه‌ای به کل اعتبارات حاکی از آن است جنوب شرقی، خوزستان، فارس و خراسان مقدار بیشتری از اعتبارات را به بخش سرمایه‌ای اختصاص داده‌اند. نکته قابل توجه این است که در سال ۱۳۸۵، دو منطقه آذربایجان و زاگرس کمترین نسبت را به خود اختصاص داده و دارای کمترین رشد نسبت به سال ۱۳۹۲ بوده‌اند.

جدول ۴: مقایسه مجموعه شاخص‌های زیربنایی در کلان مناطق نه‌گانه ایران

ردیف	مناطق								شاخص	
	خراسان	جنوب شرقی	مرکزی	البرز جنوبی	فارس	خوزستان	زاگرس	آذربایجان		ساحل شمال
۱	۱۷۷	۱۳۹	۵۰۶	۳۱۵	۲۸۵	۱۶۰	۱۱۵	۱۵۸	۲۰۱	دسترسی به بزرگراه و آزاد راه (کیلومتر) (۱۳۸۵)
	۵۳۳	۷۳۱	۹۴۴	۴۵۷	۸۵۵	۵۶۴	۲۸۰	۳۱۶	۴۵۱	دسترسی به بزرگراه و آزاد راه (کیلومتر) (۱۳۹۲)
۲	۰,۳۸	۰,۴۵	۰,۳۳	۰,۳۵	۰,۴۲	۰,۵۱	۰,۴۲	۰,۳۷	۰,۳۰	نسبت اعتبارات سرمایه‌ای به کل اعتبارات (۱۳۸۵)
	۰,۵۲	۰,۵۶	۰,۴۴	۰,۴۵	۰,۵۳	۰,۵۳	۰,۴۵	۰,۳۹	۰,۴۱	نسبت اعتبارات سرمایه‌ای به کل اعتبارات (۱۳۹۲)

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش

شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی

برای توصیف وضعیت اجتماعی و فرهنگی از مقایسه معکوس پرونده‌های سرقت به کل جمعیت موجود و نیز نسبت بیمه‌شدگان اصلی و تبعی به جمعیت بهره‌گرفته شده است. هر چه اعداد مربوط به معکوس پرونده‌های سرقت به کل جمعیت بزرگتر باشد، وضعیت بهتر در این حوزه را نمایش خواهد داد. مناطق البرز جنوبی، فارس، خوزستان و مرکزی به ترتیب دارای بیشترین نسبت سرقت برای سال ۱۳۸۵ بوده‌اند. همین نسبت برای سال ۱۳۹۲ نشان دهنده عدم تغییر اوضاع در این مناطق است. در سال ۱۳۹۲، نیز البرز جنوبی ناامن‌ترین منطقه میان دیگر مناطق است.

اگر بتوان ارتباطی میان دو متغیر ارائه شده در این حوزه قائل شد، می‌توان به راحتی مشاهده کرد که مناطقی که دارای نسبت کمتری از بیمه‌شدگان هستند ناامن‌تر بوده‌اند. طی دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲ نیز مناطق البرز جنوبی، فارس و مرکزی نیز دارای کمترین تعداد بیمه‌شدگان هستند، بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط کرد که عدم امنیت معاش تأثیر بسزایی در عدم امنیت منطقه خواهد گذاشت.

جدول ۵: مقایسه مجموعه شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در کلان مناطق نه‌گانه ایران

ردیف	مناطق								شاخص	
	خراسان	جنوب شرقی	مرکزی	البرز جنوبی	فارس	خوزستان	زاگرس	آذربایجان		ساحل شمال
۱	۶۹۵	۶۲۵	۵۷۲	۴۸۷	۵۳۶	۵۵۸	۹۹۵	۱۲۰۱	۷۲۸	معکوس نسبت سرقت‌های عادی به کل جمعیت (۱۳۸۵)
	۱۹۷	۲۵۲	۱۶۴	۱۱۶	۱۴۶	۱۲۱	۱۹۷	۲۱۱	۲۰۲	معکوس نسبت سرقت‌های عادی به کل جمعیت (۱۳۹۲)
۲	۰,۶۹	۰,۶۷	۰,۵۴	۰,۴۶	۰,۵۹	۰,۷۱	۰,۶۹	۰,۶۷	۰,۶۹	نسبت تعداد بیمه‌شدگان اصلی و تبعی به کل جمعیت (۱۳۸۵)

۰.۶۴	۰.۵۹	۰.۴۲	۰.۳۱	۰.۵۱	۰.۵۶	۰.۵۶	۰.۵۲	۰.۵۹	نسبت تعداد بیمه‌شدگان اصلی و تبعی به کل جمعیت (۱۳۹۲)
------	------	------	------	------	------	------	------	------	---

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش

شاخص‌های بهداشتی، درمانی و زیست‌محیطی

همان‌طور که جدول شماره (۶) نشان می‌دهد، واضح است محیط زیست غنی‌تر، از شروط لازم برای توسعه پایدار هر منطقه می‌باشد. استخراج هر چه بیشتر منابع در بلندمدت امکان توسعه آن منطقه را به خطر خواهد انداخت. سرانه تخلیه آب‌های زیرزمینی بیان‌کننده کمتر شدن مقدار تخلیه در برخی مناطق طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ می‌باشد و این به نوعی هشدار برای مقابله با بحران ذخایر آب در این مناطق است. از جمله آنها منطقه خوزستان است که دارای بیشترین سرانه تخلیه در میان آبهای زیرزمینی در سال ۱۳۸۵ بوده است. پس آن در سال ۱۳۹۲ آنچه جالب توجه است افزایش استفاده از منابع آب‌های زیرزمینی در دیگر مناطق از جمله زاگرس و البرز جنوبی و ساحل شمال است که تقریباً دارای بیشترین تغییرات در افزایش استفاده از منابع آب‌های زیرزمینی بوده‌اند.

دیگر متغیرهای مورد بررسی در این بخش، با توجه به اهمیت روزافزون بخش بهداشت و درمان به هزینه‌ها و امکاناتی پرداخته که در این بخش قرار دارد. ارقام به وضوح نشان می‌دهند نابرابری چشم‌گیری در حوزه هزینه‌های بهداشتی دولت نسبت به کل تولید مناطق وجود دارد به نوعی که خوزستان کمتر از یک‌صدم و فارس تقریباً یک درصد، در سال ۱۳۸۵ است و همین دو منطقه در سال ۱۳۹۲ نیز دارای کمترین نسبت در این حوزه هستند.

تعداد پزشک به ازای ده هزار نفر جمعیت بیان‌کننده کمبود نیرو در مناطق آذربایجان، جنوب شرقی، زاگرس و خوزستان در سال ۱۳۸۵ است. اگر چه این نسبت برای دو منطقه زاگرس و خوزستان با کمی بهبود در شرایط بهتری نسبت به قبل قرار گرفته؛ اما در دو منطقه آذربایجان و جنوب شرقی شرایط همچنان باقی است بعلاوه آنکه البرز جنوبی به این لیست اضافه شده است.

مقایسه این اعداد با تعداد تخت‌های فعال بیمارستانی می‌توان دید در هر دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲، به ترتیب مناطق جنوب شرقی، خراسان، خوزستان و آذربایجان در شرایط پایین‌تری نسبت به بقیه قرار گرفته‌اند.

جدول ۶: مقایسه مجموعه شاخص‌های بهداشتی، درمانی و زیست‌محیطی در کلان‌مناطق نه‌گانه ایران

ردیف	مناطق شاخص		ساحل شمال	آذربایجان	زاگرس	خوزستان	فارس	البرز جنوبی	مرکزی	جنوب شرقی	خراسان
	۱۳۸۵	۱۳۹۲									
۱	معکوس سرانه تخلیه آب‌های زیرزمینی (۱۳۸۵)	۱۹۶۴	۲۴۶۹	۸۷۷	۲۴۷۳	۱۴۹۳	۱۰۸۸	۴۹۷	۹۹۵	۷۰۳	
	معکوس سرانه تخلیه آب‌های زیرزمینی (۱۳۹۲)	۲۲۸۴	۲۶۲۵	۱۴۱۸	۱۸۹۷	۱۳۳۶	۱۶۶۳	۶۶۲	۹۶۷	۸۵۴	
۲	نسبت هزینه‌های بهداشتی بخش عمومی به تولید ناخالص استان (۱۳۸۵)	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰۸	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۲	۰,۰۲	
	نسبت هزینه‌های بهداشتی بخش عمومی به تولید ناخالص استان (۱۳۹۲)	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	
۳	تعداد پزشک در هر ده هزار نفر جمعیت (۱۳۸۵)	۵,۵۴	۳,۱۳	۳,۷۰	۳,۷۰	۴,۳۴	۴,۷۸	۵,۵۳	۳,۲۸	۵,۸۵	
	تعداد پزشک در هر ده هزار نفر جمعیت (۱۳۹۲)	۶,۴۸	۴,۴۰	۵,۲۱	۵,۲۱	۵,۷۵	۴,۹۱	۸,۱۲	۴,۵۹	۵,۰۶	
۴	تعداد تخت بیمارستانی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت (۱۳۸۵)	۱۳,۹۰	۱۴,۲۲	۱۵,۴۴	۱۳,۳۰	۱۵,۸۴	۱۷,۰۰	۱۸,۸۹	۱۱,۱۲	۱۱,۹۰	
	تعداد تخت بیمارستانی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت (۱۳۹۲)	۱۷,۰۱	۱۵,۵۴	۱۶,۷۵	۱۴,۶۲	۱۸,۸۹	۱۸,۳۵	۲۱,۰۴	۱۲,۳۷	۱۲,۵۱	

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش

نتیجه‌گیری

اهمیت از بین رفتن نابرابری در هر جامعه به حدی است که بسیاری از مطالعات در حوزه‌های مختلف اجتماعی از جمله اقتصاد به آن اختصاص یافته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد نابرابری می‌تواند ناشی از استعدادها و یا حتی کوشش متفاوت فردی باشد. اما جنبه مهم‌تر، نابرابری فرصت‌ها است که نابرابری در سطح خانوارها و مناطق مختلف جوامع را به وجود می‌آورد. فرصت‌هایی که نابرابری گسترده در مناطق مختلف به وجود می‌آورد را می‌توان در قالب پنج گروه اقتصادی، دانش و سرمایه انسانی، زیربنایی، اجتماعی و فرهنگی، بهداشتی، درمانی و زیست‌محیطی جای داد.

بررسی برخی از متغیرها و شاخص‌ها مربوط به هر کدام از گروه‌های نام برده که اطلاعات آنها در دسترس بود نشان داد که اگرچه در بیشتر موارد نابرابری موجود میان مناطق نه‌گانه کشور رو به کاهش گذاشته است اما هنوز باقیست. نتایج به دست آمده به شرح زیر است:

- شاخص‌های اقتصادی منتخب نشان می‌دهد مناطق آذربایجان، خراسان و زاگرس در اغلب شاخص‌های ضعیف‌تر از بقیه مناطق عمل کرده‌اند؛

- هر چند توزیع درآمد در مناطق نه‌گانه تقریباً یکنواخت است و فاصله درآمدی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ رو به کاهش گذاشته، اما درآمد سرانه بدست آمده در مناطق مختلف دارای تفاوت‌های بسیاری است به طوری که برخی مناطق در فقر درآمدی نسبت به سایر مناطق قرار دارند؛
 - انسجام کافی میان بخش‌های مختلف تولید وجود ندارد، به گونه‌ای که در در تعدادی از مناطق در بخش صنعت بیش از سایر بخش‌ها پیشرفت حاصل شده است و سبب ارزش افزوده بیشتر و تمرکز تعداد بیشتری از کارگاه‌های بالای ۵۰ نفر کارکن شده است.
 - بر اساس شاخص‌های سرمایه انسانی مناطق آذربایجان، زاگرس، جنوب شرقی و خراسان دارای کمترین نرخ باسوادی هستند؛
 - دیگر نرخ ثبت نام در دانشگاه‌ها نشان دهنده توازن تقریبی در کلیه مناطق است به جز البرز جنوبی و نکته مهم آن است به طور محسوسی طی سال‌های مورد بررسی نسبت استاد به دانشجو نیز تقریباً یکنواخت میان مناطق تقسیم شده است؛ اما این نسبت به طور چشم‌گیری تقریباً نصف شده است،
 - شاخص‌های مربوط به بخش زیربنایی نشان می‌دهد که مناطق آذربایجان و زاگرس نیازمند توجه بیشتر در زمینه امور زیربنایی هستند؛ زیرا در دسترسی به راه‌های ارتباطی در پایین‌ترین سطح نسبت به بقیه قرار گرفته‌اند و از سویی در بخش اعتبارات سرمایه‌ای نیز کمترین رشد را از سال ۱۳۸۵ به ۱۳۹۲ داشته‌اند.
 - شاخص‌های مورد نظر در بخش اجتماعی و فرهنگی نیز حاکی از آن هستند که برخلاف انتظار مناطق البرز جنوبی، فارس و مرکزی که در بخش اقتصادی موفقیت بالاتری نسبت به سایر مناطق داشتند در حوزه اجتماعی و فرهنگی ضعیف‌تر عمل کرده‌اند.
 - همچنین در شاخص‌های بهداشتی، درمانی به مناطق فارس و خوزستان کمترین نسبت اعتبارات دولتی به بخش بهداشت و درمان دارای کمترین مقدار نسبت به سایرین است.
 - مناطق آذربایجان و جنوب شرقی در هر دو شاخص تعداد پزشکان و تعداد تخت فعال بیمارستانی نسبت به جمعیت به صورت مشترک در سطح پایین‌تری نسبت به بقیه مناطق هستند.
 - شاخص زیست‌محیطی تخلیه منابع آب زیرزمینی نشان می‌دهد که نابرابری میان برداشت از منابع وجود دارد به گونه‌ای که از تعدادی کمتر برداشت شده و تعدادی دیگر بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.
- بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان جهت اصلاح وضع موجود موارد زیر را پیشنهاد داد:
- لزوم بازنگری در برنامه‌ریزی‌های توسعه انجام شده برای همگرایی میان مناطق مختلف به گونه‌ای که ظرفیت‌های منطقه برای ایجاد شرایط تولیدی هر منطقه مورد نظر قرار بگیرد تا به واسطه آن درآمد سرانه بالاتر رود.
 - با توجه به اینکه نسبت ثبت نام در دانشگاه افزایش داشته و از سویی دیگر نسبت استاد به دانشجو در اکثر مناطق نصف شده است، می‌توان گفت نوعی مدرک گرایی در حال رخ دادن است و از آنجا که افزایش سرمایه انسانی یکی از ارکان لازم برای توسعه در کل جامعه است تأکید بر کیفیت به جای کمیت می‌بایستی در اولویت قرار بگیرد.
 - برای تحقق تولید در هر منطقه نیاز به امور بهداشتی، درمانی و زیربنایی؛ اساسی و غیر قابل چشم‌پوشی است. بر همین اساس باید تناسبی میان امکانات بهداشتی، درمانی و زیربنایی مناطق مختلف و همچنین اعتبارات اختصاص یافته به آنان وجود داشته باشد.

- شاخص بخش زیست محیطی نیز نشان داده ذخایر آب زیرزمینی پایدار نیستند و بایستی توسط دیگر منابع جایگزین شوند که خود نیازمند هزینه‌های بسیار برای جابه جایی است، همچنین تجربه مناطقی مانند خوزستان نشان می‌دهد که برداشت بی‌رویه آب از یک منطقه ادامه حیات در آن منطقه را به خطر می‌اندازد و نه تنها محیط زیست آن منطقه تخریب شده بلکه بازخورد اقتصادی نیز نخواهد داشت، بر همین اساس می‌بایستی مطالعات عمیقی برای ایجاد الگوی صحیح و بهینه مصرف و برداشت از منابع زیرزمینی کلیه مناطق صورت بگیرد.

منابع

- احمدی، سجاده؛ صبوری‌خواه، حمید؛ دریشی، هدایت‌الله و جباری، حبیب (۱۳۹۳). تحلیل فضایی برخورداری استان‌های ایران در شاخص‌های سلامت. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال چهارم، شماره ۱۴، ۳۱-۴۴.
- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ موسوی، میرنجف و کاظمی‌زاد، شمس‌اله (۱۳۹۰). تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هشتم، شماره اول: ۲۳۵-۲۱۴.
- ارضوم‌چیلر، نسرین (۱۳۸۴). ابعاد گوناگون فقر در ایران. *مجموعه پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*، شماره ۲۷.
- افقه، سید مرتضی؛ غرافی، مانده و بصیرت، مهدی (۱۳۹۴). تأثیر نابرابری آموزش بر توزیع درآمد در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۷۹-۲۰۳.
- ایزانلو، قاسم؛ خداپرست مشهدی، مهدی (۱۳۹۴). ضعف نظام اداری: چالش استراتژیک توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی خراسان شمالی). *فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*. دوره ۱۹، شماره ۱، ۱-۳۲.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۶). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. جلد دوم، چاپ سوم، سازمان برنامه و بودجه.
- راغفر، حسین؛ موسوی، میرحسین و آذری بنی، بتول (۱۳۹۲). بررسی نابرابری فرصتی مبتنی بر درآمد در نسل‌های تحصیلی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال هجدهم، شماره ۵۶، ۷۱-۴۱.
- راجرز، دانیل سی و هرش اس، راجلین (۱۳۷۰). اقتصاد و آموزش و پرورش: اصول و کاربردها. مترجم: سید ابوالقاسم حسین‌یون، چاپ اول، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- راولز، جان (۱۳۸۵). عدالت به مثابه انصاف. ترجمه عرفان ثابتی. انتشارات ققنوس.
- زبیری، هدی؛ کریمی موعاری، زهرا (۱۳۹۳). اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی (مطالعه بین کشوری با رویکرد داده‌های تابلویی). *فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*. سال چهارم، شماره چهاردهم، ۳۹-۶۲.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۶). نابرابری اقتصادی. ترجمه وحید محمودی. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- کریمی موعاری، زهرا؛ ابونوری، اسماعیل و زبیری، هدی (۱۳۹۰). بررسی نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی. *فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه*. سال شانزدهم، شماره ۴، ۲۱۴-۱۸۳.
- کریمی موعاری، زهرا؛ براتی، جواد (۱۳۹۶). تعیین سطح نابرابری‌های منطقه‌ای استان‌های ایران: تحلیل شاخص ترکیب چند بعدی. *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۷، شماره ۲۶، ۷۰-۴۹.
- لشگری، محمد (۱۳۹۳). تأمین عدالت و امکان استفاده برابر افراد جامعه از فرصت‌ها بر اساس بهبود توزیع درآمد. *فصلنامه راهبرد یاس*، شماره ۲۵، ۱۷۶-۱۴۹.

- مرتضوی کاخکی، مرتضی؛ حقیقی، ایمان و مهدوی عادل، محمدحسین (۱۳۹۲). رابطه برابری فرصت و برابری درآمد در مناطق ایران: مدل سازی تعادل عمومی. *مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۵، ۹۵-۶۹.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). اسلام و مقتضیات زمان، چاپ نهم، تهران، نشر صدرا.
- ندری، کامران؛ قلیچ، وهاب (۱۳۸۸). نقش حاکمیتی دولت در بهبود توزیع درآمد. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره ۹، شماره ۵-۳۲، ۳۵.

- ویسی، اکبر؛ حسین زاده دلیر، کریم و عزت پناه، بختیار (۱۳۹۳). بررسی تحلیل نابرابری های توسعه در سازمان فضایی استان های ایران، *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، دوره ۲، شماره ۶، ۸۲-۶۷.

- Rakauskienė, O.G. and Kozlovskij, V. (2014). Overview of EU economic cohesion process performance for new member state. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, NO 110: 284 – 292.
- Cowell, f. (2000). *Measuring Inequality*. USA. Oxford University Press
- Marrero, G.A. and Rodríguez, J.G. (2013). Inequality of opportunity and growth. *Journal of Development Economics*. Vol 104: 107- 122.
- Arrow, K., Bowles, S. and Durlauf, S. (2000). *Meritocracy and economic inequality*. Princeton University Press.
- Lucas, J. R. (1995). *Responsibility*. Oxford: Clarendon Press.
- Roemer, J. E. (1993). A pragmatic approach to responsibility for the egalitarian planner, *Philosophy & Public Affairs*, 10:146-166.
- Van de Gaer, D. (1993). Equality of opportunity and investment in human capital, Catholic University of Leuven, Faculty of Economics, No. 92.
- Cuesta, J. (2014). Social Spending, Distribution, and Equality of Opportunities: The Opportunity Incidence Analysis. *World Development*. Vol 62. 106–124.
- Romer, J (2014). Economic Development as Opportunity Equalization. *World Bank Economic Review* .Vol 28. Issue 2.189 – 209.
- Brunori, P., Ferreira, F,H,G. and Peragine, V. (2013). Inequality of Opportunity, Income Inequality and Economic Mobility: Some International Comparisons. *Policy Research Working Paper*. Vol 1.
- Chivu, L., Ciutacu, C. and Georgescu, L. (2014). Household income in Romania. A challenge to economic and social Cohesion. *Procedia Economics and Finance*. NO 22: 398-401.
- Shankar R. and Anwar S (2003). Bridging the economic divide within countries: A scorecard on the performance of regional policies in reducing regional income disparities. *World Development*. vol. 31. NO.8. PP: 1421-1441.